

مطالعه وضعیت کیفیت فرهنگی و اجتماعی زندگی شهروندان

محمد گنجی¹

احسان الماسی بیدگلی²

تاریخ دریافت: 90/8/14 تاریخ پذیرش: 91/3/16

چکیده

کیفیت زندگی پدیده‌ای است که در واکنش به پیشرفت‌های صنعتی و تخریب محیط زیست وارد دنیای فرهنگی و اجتماعی انسان‌ها شده است. این پیشرفت‌ها موجب تنوع کالاها و خدمات شده است. البته به همان میزان به افزایش رضایت افراد از زندگی و بهبود کیفیت زندگی آن‌ها منجر نشده است. بر این مبنا بررسی وضعیت کیفیت زندگی (فرهنگی و اجتماعی) به بحثی گسترده در جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی تبدیل شده است. در این راستا، پژوهش حاضر با رویکردی فرهنگی و اجتماعی به بررسی مؤلفه‌های متعدد کیفیت زندگی شهروندان پرداخته است. روش تحقیق پژوهش مذکور از نوع پیمایش است که با استفاده از ابزار پرسشنامه به گردآوری اطلاعات در جامعه آماری شهر کاشان با نمونه 353 نفری به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای به اجرا درآمده است.

یافته‌های تحقیق بیانگر این است که میانگین مؤلفه‌های کیفیت فرهنگی زندگی و کیفیت اجتماعی زندگی از حد متوسط طیف مورد ارزیابی بالاتر است. همچنین رابطه هر دو بعد کیفیت زندگی با سن معنادار و دارای همبستگی مثبت است. وضعیت زنان و مردان در بعد کیفیت اجتماعی زندگی تفاوت معناداری ندارند، اما در بعد کیفیت فرهنگی زندگی، مردان نسبت به زنان شرایط بهتری دارند. میانگین بعد کیفیت اجتماعی زندگی در میان افراد متأهل بیشتر از افراد مجرد است، اما در بعد کیفیت فرهنگی زندگی با یکدیگر مشابه هستند. کیفیت فرهنگی زندگی پاسخگویان با رتبه علمی فوق لیسانس و بالاتر، از سایر گروه‌های تحصیلی بیشتر است. اما در بعد کیفیت اجتماعی زندگی تفاوتی بین گروه‌های متفاوت تحصیلی وجود ندارد.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی، کیفیت اجتماعی زندگی، کیفیت فرهنگی زندگی

1. عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان (m.ganji@kashanu.ac.ir)
2. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) تهران (e.almasi1367@gmail.com)

مقدمه

انسان پیوسته در حال «شدن» است و اندیشه بهتر شدن و پیشرفت کردن همزاد انسان است. او در این راستا از مفاهیمی نظیر: بهبود، رشد، پیشرفت و در نهایت توسعه بهره برده است. توسعه اقتصادی و پیشرفت‌های صنعتی با وجود آنکه کالاها و خدمات متنوعی را در اختیار بشر قرار داده است، اما رضایت انسان از زندگی را فراهم نکرده است. به عبارت دیگر این پیشرفت‌ها و امکانات به بهبود کیفیت زندگی مطابق نظر وی منجر نشده است. با وجود این که یکی از اهداف توسعه اقتصادی ایجاد شرایطی است که در آن انسان احساس آرامش کند و از زندگی مادی خود رضایت داشته باشد، به نحوی که کیفیت زندگی او ارتقای یابد. اما تحولات جوامع بیانگر این است که کیفیت زندگی تنها امری مادی نیست. برخی محققان معتقد هستند که طرح مبحث کیفیت زندگی واکنشی به پیشرفت‌های مادی غرب بوده است. طرح مباحث روان‌شناختی و جامعه‌شناختی جهت ارتقای کیفیت زندگی افراد نیز در این راستا بوده است. بر این مبنا می‌توان بیان کرد؛ کیفیت زندگی تنها متأثر از عوامل مادی اقتصادنگر نیست، بلکه «روابط اجتماعی سالم و منزلت نقشی مناسب را هم در برمی‌گیرد که تأثیر بسزایی بر روی کیفیت زندگی انسان‌های شهرنشین بر جای می‌گذارد» (کیان‌پور، 1385: 3).

با گسترش بحث روابط اجتماعی سالم در علوم مختلف لزوم توجه به معرفت‌های اجتماعی و فرهنگی جهت ارتقای کیفیت زندگی موضوعیت پیدا کرده است. هر چند عنوان کیفیت زندگی توسط علوم دیگر و به‌طور خاص علوم پزشکی مورد استفاده قرار گرفته است. اما مطالعات متعدد نشان می‌دهند؛ کیفیت زندگی مفهومی چندبعدی است (تاهیدور و همکاران، 2005: 5)¹. به عبارتی دیگر کیفیت زندگی مفهوم فراگیری است که شامل؛ سلامت فیزیکی، رشد حالات روان‌شناختی، ارتقای سطح اشتغال، بهبود روابط اجتماعی و رابطه با نهادهای برجسته محیطی می‌شود. در واقع گستره‌ای است دربرگیرنده ابعاد متعدد عینی و ذهنی زندگی که در تعامل با یکدیگر قرار دارند (نائینیان و همکاران، 1384: 48).

1. Tauhidur, Ron, and Philip

گسترش تحقیقات در زمینه کیفیت زندگی از یک سو و لزوم برنامه‌ریزی برای دستیابی به توسعه‌ای همه‌جانبه از سوی دیگر، پژوهشگران و برنامه‌ریزان علوم اجتماعی را بر آن داشته است تا مطالعات خود را در ارتباط با زمینه‌های شهروندی متمرکز کنند و نیز در جهت ارتقای کیفیت زندگی آنان تلاش کنند. آن‌ها اعتقاد دارند که بهبود وضعیت کیفیت زندگی شهروندان مترادف با رشد و خلاقیت فردی و اجتماعی آن‌هاست. که این امر باعث ایجاد احساس رضایت و شادابی در بین شهروندان می‌گردد.

در این راستا، توجه به کیفیت زندگی شهروندان و برنامه‌ریزی جهت ارتقای آن باعث «تقویت عوامل و سازه‌های مؤثر بر مشارکت از قبیل ایجاد اطمینان نسبت به نتایج (به اعتقاد دال و اینگلهارت)، ایجاد موقعیت اجتماعی - اقتصادی مناسب (به اعتقاد اینگلهارت و سیلز) و همچنین ایجاد آمادگی روانی و نگرش مثبت (به اعتقاد شفر و گائوتری) می‌شود» (نیازی و غفاری، 1386: 98). بر این مبنا امکان مشارکت شهروندان در امر توسعه مهیا می‌گردد.

با توجه به اینکه از یک سو مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی به‌عنوان شاخص‌ها و معرف‌های مستتر در کیفیت زندگی افراد جامعه در نظر گرفته می‌شوند و از سوی دیگر با توجه به قدمت فرهنگی شهر کاشان، لزوم توجه به مباحث فرهنگی و اجتماعی کیفیت زندگی در این شهر موضوعیت پیدا می‌کند. بر این اساس مطالعه حاضر با چنان رویکردی به کیفیت فرهنگی و اجتماعی زندگی شهروندان کاشانی می‌پردازد.

مبانی نظری

توسعه اجتماعی و فرهنگی

توسعه فرایندی است که تمامی پیشرفت‌ها در علم، فناوری، دموکراسی، ارزش‌ها، اخلاق و سازمان اجتماعی و... در بر می‌گیرد (پیت و ویک، 1384: 15). به عبارتی دیگر توسعه، فرایند تحولی، پیچیده و همه‌جانبه‌ای است که در زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه رخ می‌دهد. به نحوی که آن را از وضع موجود (عقب‌ماندگی) به وضع مطلوب (توسعه‌یافته) هدایت می‌کند (هریسون، 1376: 28).

جامعه‌شناسان حیطه توسعه، مقوله توسعه را در برابر مقوله رشد قرار می‌دهند. در حالی که مفهوم رشد به پیشرفت و ترقی جامعه در ابعاد مادی و عینی [یعنی وجه کمی]، به‌ویژه تولید اقتصادی اشاره دارد، مفهوم توسعه شامل پیشرفت و ترقی جامعه در تمامی ابعاد زندگی [یعنی وجه کیفی] است. بر این اساس در ادبیات مربوط به توسعه از توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی و توسعه انسانی سخن به میان می‌آید (غفاری و ازکیا، 1388: 24 به نقل از بابایی‌فرد، 1389: 8) که برحسب میزان تناسب برخی از آن‌ها به مطالعه حاضر، بدان‌ها پرداخته می‌شود.

«جانستون توسعه اجتماعی را اساساً به معنای تقویت پویایی جامعه مدنی می‌داند و آن (پویایی) به مفهوم افزایش ظرفیت و تنوع سازمانی، تعامل دوجانبه گروه‌ها و منافع، مشروعیت ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی و افزایش تعامل بین جامعه مدنی و حکومت است. بدین شیوه که خوداتکایی هر دوی آن‌ها و انسجام‌شان تقویت شود (جانستون¹، 1993: 3 به نقل از جباری، 1382: 58). در تعریفی دیگر «منظور از توسعه اجتماعی اشکال متفاوت کنش متقابل است که در یک جامعه خاص همراه با توسعه تمدن رخ می‌دهد. توسعه اجتماعی و توسعه فرهنگی جنبه‌های مکمل و پیوسته یک پدیده هستند و هر دو نوع الزاماً به ایجاد وجوه تمایز فزاینده جامعه منجر می‌شوند» (کتابی و همکاران، 1383: 182-183).

تا چندی قبل، بسیاری از صاحب‌نظران توسعه معنای اقتصادی از مفهوم توسعه استنباط می‌کردند. با شکست برنامه‌های اقتصادی جهت بهبود شرایط زندگی افراد جامعه، نوعی دگرگونی در معنای مفهوم توسعه ایجاد گردید. در این راستا توجه به مسائل فرهنگی و اجتماعی اهمیت یافت. «به‌طوری که در طی دهه‌های 1980 و 1990 میلادی مفاهیم جدیدی از فرهنگ و توسعه مطرح شد که در آن‌ها توسعه تنها به معنای سنجش مادی درآمد، بیکاری و نابرابری نیست، بلکه فرایندی چندبعدی است که به تغییرات عمده در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، گرایش‌های مردم و نهادهای ملی اشاره دارد و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و فقر را در پی دارد» (دوپوئی، 1374: 9-10).

1. Johnston

«یونسکو فرهنگ را کلیت تامی از ویژگی‌های معنوی، مادی، فکری و احساسی می‌داند که یک گروه اجتماعی را از سایر گروه‌ها متمایز می‌کند، بنابراین فرهنگ نه تنها هنر و ادبیات، بلکه آیین‌های زندگی، حقوق اساسی نوع بشر، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و باورها را نیز شامل می‌شود. حوزه این تعریف می‌تواند چارچوبی برای بُعد فرهنگی توسعه فراهم نماید» (فاضلی، 1376: 14).

اهمیت توسعه فرهنگی به حدی است که برخی از محققان بر این باور هستند که توسعه فرهنگی مبنای هر نوع توسعه است، زیرا از نظر آنان، فرهنگ نحوه روابط اعضای جامعه با محیط و مردم درون و بیرون فرهنگ و نحوه دریافت اطلاعات از محیط و تفسیر و درک آن را تعیین می‌کند (تری یاندریس، 1378: 44-47). در این راستا، توسعه فرهنگی یعنی فراهم آوردن شرایط و امکاناتی برای افراد جامعه تا به شاخص‌های رشد فرهنگی جامعه عمل بپوشانند.

بنابراین در رویکرد توسعه فرهنگی، داشتن انسان‌های پویا، شاداب، آگاه، متعهد، ارزش‌گرا و انسانی به‌عنوان اهداف اصلی مدنظر است و طی آن فرایند با ایجاد تغییراتی در حوزه ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایشی، قابلیت‌ها و باورهای انسان‌ها شخصیت ویژه‌ای به خود می‌گیرد که حاصل آن کنار گذاشتن خرده فرهنگ‌های نامناسب توسعه‌ای است (حبیب‌پور و غفاری، 1390: 86).

به نظر توسلی، توسعه فرهنگی نوعی دگرگونی است که از طریق تراکم برگشت‌ناپذیر عناصر فرهنگی (تمدن) در یک جامعه معین صورت می‌گیرد و بر اثر آن جامعه کنترل مؤثری را بر محیط طبیعی و اجتماعی اعمال می‌کند. در این تراکم برگشت‌ناپذیر، معارف، فنون، دانش و مناسک به عناصری که از پیش وجود داشته، افزوده می‌شود (ازکیا و غفاری، 1388: 20). در توسعه فرهنگی، سنن و تجارب گذشته یک جامعه، حالت انباشت‌پذیر به خود می‌گیرند و این مسئله مبنایی برای رشد یک جامعه است، زیرا براساس سنت و تجارب گذشتگان آینده‌ای نو‌بازاندیشی و بازسازی می‌شود که به خودباوری جامعه شده و توانایی‌های بالقوه و خلاق انسان را در زمینه فرهنگی شکوفا منجر می‌کند.

بوردیو با طرح سرمایه فرهنگی، معتقد است که سرمایه فرهنگی شامل؛ شناخت و ادراک فرهنگ و هنرهای متعالی، داشتن ذائقه خوب و شیوه عمل مناسب است (باینگانی و کاظمی، 1389: 9). بنابراین ارتقای سرمایه فرهنگی به‌عنوان شاخصی از توسعه فرهنگی

کمک مؤثری به بسط توسعه می‌کند. از دیدگاه بورديو مفهوم سرمایه فرهنگی دارای سه بعد اصلی است، «بعد تجسم یافته یا ذهنی، بعد عینی و بعد نهادی». بورديو در این سه بُعد به تمایلات و گرایشات روانی افراد، میزان مصرف کالاهای فرهنگی و ارتقای مدارک، مدارج تحصیلی و علمی فرهنگی افراد جامعه اشاره می‌کند که در سنجش هویت فرهنگی و توسعه پایدار فرهنگی جوامع، نقش بسزایی دارد. توسعه فرهنگی از طریق تجسد بخشیدن به دنبال اشاعه و بسط رفتارها و شیوه‌های تربیتی موجود در یک فرهنگ است، در حالت عینیت‌یافتگی باید به اشیای مادی و رسانه‌هایی که عینیت دارند، نظیر مکتوبات، نقاشی‌ها، بناهای تاریخی، ابزارها و... توجه کرد؛ در این حالت کالاهای فرهنگی را می‌توان به‌طور مادی به تملک درآورد که مستلزم سرمایه اقتصادی است و هم به‌طور نمادین که مستلزم سرمایه فرهنگی است و در حالت نهادینه شده، سرمایه فرهنگی به شکل و مدارج آموزشی و امتیازات ضمانت شده همراه است که نقش مؤثر در بسط توسعه فرهنگی دارد. «به اعتقاد صاحب نظران توسعه، سرمایه فرهنگی خود شاخصی از توسعه فرهنگی به‌شمار می‌رود. با توجه به اهمیت تأمین سرمایه فرهنگی، لازم است که سیاستگذاران فرهنگی شناخت کاملی از این سرمایه و برآوردی از رشد آن در جامعه در اختیار داشته باشند، به نحوی که چگونگی تحولات آن را بدانند و منابع را برای تأمین این نیاز در رشد توسعه فرهنگی جامعه به گونه‌ای متناسب تخصیص دهند» (شارع‌پور و خوش‌فر، 1381: 134).

بابایی‌فرد پس از تقسیم سرمایه فرهنگی به دو بُعد عینی و ذهنی، در باب روابط بین سرمایه فرهنگی و توسعه فرهنگی بر این باور است که «افزایش سرمایه فرهنگی [در بُعد ذهنی‌اش] می‌تواند به بالا بردن میزان دانش، آگاهی، تحول فکری و ارتقای کیفیت زندگی منجر گردد» (بابایی‌فرد، 1389: 29).

بر این اساس، می‌توان گفت که کیفیت فرهنگی و اجتماعی زندگی پیامد توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در یک جامعه است. به عبارتی دیگر، پیش شرط کیفیت زندگی مناسب برای افراد جامعه، رسیدن به توسعه پایدار است. همچنین یکی از شاخصه‌های مهم توسعه پایدار، دستیابی به توسعه فرهنگی و اجتماعی است.

کیفیت اجتماعی و فرهنگی زندگی

ملهم از تنوع ابعاد توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی، کیفیت زندگی نیز دارای ابعاد گوناگونی است که از سوی محققان مختلف از جمله جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، پزشکی و اقتصاد مورد بررسی قرار گرفته است. به‌طور مثال «مفهوم کیفیت زندگی در علم اقتصاد را

معادل کارایی و بهره‌وری¹ (تاهیدور و همکاران، 2005: 3)، توزیع رفاه و آسایش مادی بین مردم تعریف کرده‌اند. به گونه‌ای که بتوان با کمترین هزینه، بالاترین میزان بهره‌وری را در سطح جامعه ایجاد کرد. کاهش فاصله طبقات اقتصادی و اجتماعی جامعه، توزیع عادلانه ثروت جامعه از جمله مباحثی هستند که مفاهیم رفاه، آسایش و کیفیت زندگی را در دیدگاه اقتصادی قرار می‌دهند (مرادی، 1385: 24-25). در واقع در دیدگاه اقتصادی، مقوله‌ی کیفیت زندگی به شکلی وسیع با مفهوم رفاه ارتباط پیدا می‌کند. اگر چه در مورد رفاه اتفاق نظر وجود ندارد. ولی رفاه مفهومی است که توصیف‌کننده بهزیستی، تأمین زندگی و فقرزدایی است و لذا در ارتباط تنگاتنگی با مفاهیمی همچون عدالت اجتماعی قرار می‌گیرد (نورمن، 1380: 6-12). بر مبنای دیدگاه‌های روان‌شناسی، «کیفیت زندگی به‌عنوان نوعی رفتار تلقی شده که ناشی از خصوصیات و ویژگی‌های فردی است. تبیین‌های روانشناختی کیفیت زندگی بر تفاوت‌های فردی اشخاص در شیوه تفکر و احساس درباره‌ی رفتار خویش تأکید دارند» (مختاری و نظری، 1389: 74-75). با توجه به آنچه بیان گردید، می‌توان گفت؛ کیفیت زندگی مفهومی است که دارای تعاریف گسترده‌ای می‌باشد. بر این مبنای بررسی تعاریف کیفیت زندگی برای دستیابی به تعریفی منسجم ضروری به‌نظر می‌رسد که برخی از آن‌ها در جدول ذیل آمده است.

جدول شماره 1. تعاریف کیفیت زندگی

محقق	تعریف کیفیت زندگی	مفاهیم کلیدی	رویکرد
(ترهون ² ، 1973 به نقل از وینهون ³ ، 2000: 3 و تاهیدور و همکاران، 2005: 3)	رضایت ذهنی از خود	رضایت، ذهن	ذهنی
(دالکی ⁴ ، 1972 به نقل از شیخی، 1385: 191)	احساس فرد از سلامت، رضایت یا عدم رضایت از زندگی، شادمانی یا ناخشنودی	احساس، رضایت، شادمانی، سلامتی فرد	ذهنی
(مک کال ⁵ ، 1975 به نقل از وینهون، 2000: 3 و تاهیدور و همکاران، 2005: 3)	وضعیت ضروری و لازم برای شادی	وضعیت، شادی	ذهنی - عینی

1. Utility
2. Terhune
3. Ruut veenhoven
4. Dalkey
5. Mc call

ادامه جدول شماره 1. تعاریف کیفیت زندگی

رویکرد	مفاهیم کلیدی	تعریف کیفیت زندگی	محقق
ذهنی	احساس بهزیستی، رضایت، زندگی شهری، خانوادگی، شغلی	احساس بهزیستی به معنای اینکه؛ احساس رضایت از زندگی شغلی و رضایت از زندگی خانوادگی رضایت کلی از زندگی و در نتیجه احساس بهزیستی را به وجود می آورد.	(کمپل ¹ ، 1976 به نقل از کیان پور 1385: 66)
ذهنی - عینی	رفاه، شرایط اجتماعی، شرایط اقتصادی	میزان رفاه افراد و گروه‌ها در شرایط اجتماعی و اقتصادی عمومی	(مولر ² ، 1982 به نقل از رضوانی و منصوریان، 1387: 5)
ذهنی	برداشت فرد، نظام ارزشی فرد، اهداف و نیازهای فرد، انتظارات فرد	به برداشت شخصی یک فرد از موقعیت زندگی اش در رابطه با فرهنگ و نظام ارزش اجتماعی و نیز در رابطه با اهداف، انتظارات، استانداردها و احتیاجاتش گفته می‌شود.	(گروه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی ³ ، 1993)
ذهنی	رفاه (جسمی، روان شناختی و اجتماعی) رضایت فرد، فرصت‌ها	عبارت است از رفاه جسمی، روان شناختی و اجتماعی که به وسیله اشخاص درک می‌شود و میزان رضایت فرد از موهبت‌های زندگی	(سلیم زاده و همکاران 1386: 288)
عینی	بهداشت، اقتصاد، آموزش و پرورش، محیط زیست	یک پدیده چند بُعدی است و مؤلفه‌های آن مشتمل بر بهداشت، آموزش و پرورش، محیط زیست و اقتصاد است.	(مزمودار ⁴ ، 2004 به نقل از شیخی 1385: 191)

(محقق، 1391)

با تحلیل تعاریف فوق، مشاهده می‌شود که مفهوم سلامتی (با اجزائی نظیر سلامت روانی، سلامت جسمی و...) و وضعیت بهداشتی که مرتبط با سلامتی است و همچنین وضعیت محیطی (نظیر کیفیت مسکن، آب و هوا، فضای مورد نیاز اوقات فراغت و...) مهم-ترین مفاهیم در تعریف کیفیت زندگی هستند. هرچند مفاهیمی نظیر رفاه، شادی، وضعیت اقتصادی و رضایت نیز دارای اهمیت زیادی هستند. اگرچه برخی کیفیت زندگی را

1. Campell
2. Moller
3. WHOQOL Group
4. Mazumdar

معادلی برای رضایت از زندگی و یا شاد بودن در نظر می‌گیرند (بوگنار¹، 2005: 563). بنابراین جوهر اصلی کیفیت زندگی، تأمین و ارضای نیازهای مادی و معنوی انسان به‌طور توأمان است. و صرفاً برنامه‌ریزی برای مسکن، کار و اشتغال یا حمل و نقل بدون تأمین نیازهای روانی، عاطفی و اجتماعی شهروندان (مثل نیاز به امنیت، زیبایی، آرامش خاطر، تعلق اجتماعی، شادی، تفریح و غیره) ناقص خواهد بود (کوکبی، 1386: 77).

در این راستا، نظریات و مکاتب متعددی به تعریف کیفیت زندگی پرداخته‌اند و هر کدام از زاویه‌ای به تحلیل آن پرداخته‌اند. مثلاً نظریه برابری² معتقد است، توسعه بدون برابری به معنای محدودیت انتخاب‌های افراد بسیاری در جامعه است. برابری حقوق باید به‌عنوان برابری در فرصت‌ها درک و فهمیده شود و نه لزوماً در نتایج. بنابراین تساوی حقوق در دستیابی به فرصت‌های سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باید به‌عنوان یک حق اساسی انسان در پارادایم توسعه انسانی در نظر گرفته شود (الهاک³، 1988: 13-18).

رویکرد کنش متقابل نیز، بر نحوه تعامل و کنش نمادین از یک سو و ماهیت فکری و تصویری هر فرد نسبت به خودش از سوی دیگر تأکید دارد. نگرش کنشگر مانند هر فرد دیگری درباره تصور مثبت و منفی اطرافیان در مورد شخصیت و رفتارش تأثیر بسزایی در نحوه عمل و در کیفیت زندگی او (کنشگر) دارد. از جمله نظریه‌پردازان این رویکرد می‌توان به کولی، مید و بکر اشاره کرد. که تبیین‌های آن‌ها در مورد کیفیت زندگی تحت عناوین الگوی خودآینه‌ای، الگوی نقش اجتماعی و نظریه برجسب‌زنی مطرح است (مختاری و نظری، 1389: 87). «کولی، معتقد است که خود و جامعه دو پدیده هم‌زادند، جامعه و افراد بر دو پدیده جداگانه دلالت نمی‌کنند، بلکه جنبه‌های جمعی و فردی یک پدیده را نشان می‌دهند. کولی چنین استدلال می‌کرد که «خود» یک شخص از رهگذر تبادل او با دیگران رشد می‌یابد. به نظر وی، «خود» نخست فردی و سپس اجتماعی نمی‌شود، بلکه از رهگذر یک نوع ارتباط دیالکتیکی شکل می‌گیرد. آگاهی یک شخص از خودش، بازتاب افکار دیگران درباره خودش است. پس به هیچ روی نمی‌توان از «خود»های جداگانه سخن به میان آورد. بدون ادراک همبسته شما، او و آن‌ها هیچ ادراکی از «من» نمی‌تواند در ذهن

1. Bognar
2. Equity
3. Ulhaq

صورت بندد» (کوزر، 1386: 409-411). بنابراین می‌توان گفت نحوه نمایش «خود» در آینه‌ی دیگران باعث تحول در کیفیت زندگی فرد می‌شود. اگر احساسی که از طریق ارتباط دیگران به فرد منتقل شود، خرسندکننده باشد مسلماً این احساس ذهنی مثبت می‌تواند بر اکثر جنبه‌های دیگر زندگی وی تأثیر بگذارد و زمینه ارتقای سطح کیفیت زندگی او را فراهم کند و البته حالت بالعکس نیز قابل تصور است.

برگر، اشمیت و نول¹ نیز سعی دارند تا مباحثی نظیر رفاه ذهنی، رفاه عینی، اهداف اجتماعی و نظریه‌های اجتماعی پیرامون مطروودیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و همبستگی اجتماعی را در قالب یک چارچوب منسجم مبتنی بر مفهوم کیفیت زندگی قرار دهند که به معرف‌های کیفیت اجتماعی همچون برابری، انصاف، آزادی، امنیت و انسجام بیش از عوامل فردی توجه دارد. آن‌ها در سطح فردی میان جنبه‌های شناختی و عاطفی رفاه ذهنی و میان ابزار (منابع و ظرفیت‌ها) و اهداف یا دستاوردهای (شرایط زندگی) رفاه عینی تمایز قائل می‌شوند. همچنین در سطح اجتماعی، دو سازه اصلی کیفیت زندگی را همبستگی اجتماعی و تداوم‌پذیری² می‌دانند. در این مدل، همبستگی اجتماعی دارای دو عنصر است: یکی کاهش تفاوت‌ها و نابرابری‌ها و دیگری تقویت پیوندها، شبکه‌ها و روابط اجتماعی، افزایش احساس تعلق به جماعت و پیوند با آن براساس ارزش‌های مشترک. از این منظر همبستگی اجتماعی با اصول دوگانه یعنی برابری و انسجام پیوند می‌خورد.

جدول شماره 2. کیفیت زندگی و تغییر اجتماعی در دو سطح فردی و اجتماعی

سطوح	سنجه‌های رفاه	تغییر اجتماعی
سطح فردی	کیفیت زندگی، شرایط زندگی، رفاه ذهنی	ارزش‌ها و نگرش‌ها، پساماده‌گرایی، نقش‌های جنسیتی، اولویت‌های حزبی
سطح اجتماعی	کیفیت جامعه، تداوم‌پذیری، حفظ سرمایه به طبیعی انسانی، همبستگی اجتماعی، کاهش نابرابری‌ها و محرومیت، تقویت روابط و پیوندها	ساختار اجتماعی، جمعیت‌شناختی، طبقه اجتماعی، اشتغال

نول (2004)

1. berger- Schmitt and Nolls overarching quality of life
2. sustainability

در راستای استفاده از مدل به عنوان ابزار سیاست گذاری اجتماعی، نول (2002) آن را به سه سیاست عمده به شرح زیر تفکیک می کند:

1. بهبود شرایط و کیفیت زندگی شامل اشتغال، آموزش، استاندارد زندگی، بهداشت، تأمین و حمایت اجتماعی، امنیت عمومی، حمل و نقل و محیط زیست.
2. تقویت همبستگی اقتصادی و اجتماعی شامل الف) کاهش نابرابری های اقتصادی و اجتماعی میان گروه های اجتماعی و مناطق: کاهش سطح توسعه یافتگی مناطق کمتر برخوردار، فرصت های برابر برای زنان و افراد ناتوان و مبارزه با محدودیت اجتماعی و ب) تقویت روابط میان مردم و مناطق: بهبود حمل و نقل، تقویت انسجام میان مردم، ترغیب همبستگی، تقویت هویت، تشویق تغییرات فرهنگی، آموزشی و شغلی.
3. تداوم پذیری شامل تشویق مصرف کارآمدتر انرژی و منابع، حمایت از تکنولوژی های پاک، افزایش سهم منابع تجدیدناپذیر انرژی و حمایت از تحرک پایدار (غفاری و امیدی، 1388: 49-52).

در راستای مطالعه کیفیت زندگی پژوهش هایی نیز در داخل و خارج کشور به انجام رسیده که از آن جمله می توان از میان پژوهش های داخلی به پژوهشی با عنوان «مدل پیشنهادی برای سنجش کیفیت زندگی، مطالعه موردی شهر اصفهان» که توسط ربانی خوراسگانی و کیان پور صورت گرفته است، اشاره کرد. هدف پژوهش مذکور تعریف مفهوم کیفیت زندگی و ایجاد مدل تجربی برای سنجش ابعاد مختلف آن (بعد فردی، بعد اجتماعی، بعد محیطی) در شهر اصفهان بوده است. نتایج تحقیق بیانگر این است که کیفیت زندگی با متغیر سن و جنس ارتباط ندارد ولی با متغیر وضعیت تأهل دارای ارتباط است (ربانی و کیان پور، 1386).

پژوهش دیگری با عنوان «سنجش وضعیت شاخص های کیفیت زندگی در شهر، از نظر شهروندان (مطالعه موردی: شهر گنبد قابوس)» توسط جاجرمی و کتله با هدف سنجش وضعیت شاخص های کیفیت زندگی در شهر، از نظر شهروندان صورت گرفته است. محققان با توجه به 25 فاکتور که در سه گروه امکانات و خدمات شهری، مشکلات شهری و امکانات

مسکن طبقه‌بندی شده است، به بررسی کیفیت زندگی شهروندان پرداخته‌اند. نتایج بیانگر اختلاف شدید شاخص‌های کیفیت زندگی در نواحی مختلفی شهر از نظر شهروندان بوده است. همچنین از نظر شهروندان گنبدی وضعیت دسترسی به امکانات و خدمات شهری در مناطق مختلف این شهر مناسب است، ولی مشکلات شهری در اکثر مناطق شهری از نظر شهروندان قابل توجه است (جاجرمی و کتله، 1385).

در پژوهشی نیز که از سوی غفاری و نازمحمد در سال 1385 صورت گرفته، محققان درصد یافتن رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی برآمدند که نتایج بیانگر وجود رابطه معنادار بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی می‌باشد. در این پژوهش شاخص‌های مورد استفاده برای سنجش کیفیت زندگی عبارت بودند از: وضعیت سلامت و تغذیه، وضعیت آموزش، گذراندن اوقات فراغت، کیفیت مادی، کیفیت محیطی بهزیستی، روانی و برای سرمایه اجتماعی نیز از شاخص‌های اعتماد اجتماعی، ارتباطات، بده بستان، امنیت محلی و کیفیت دسترسی به خدمات عمومی استفاده شده است (غفاری و نازمحمد، 1385).

مجموعه پژوهش‌هایی هم در غرب با عنوان کیفیت زندگی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به پژوهشی با عنوان «کیفیت زندگی در جوامع فردگرا و مقایسه 43 کشور در اوایل دهه 1990» توسط وینهون اشاره کرد. این پژوهش، برنده جایزه بهترین مقاله در تحقیق شاخص‌های اجتماعی از سوی انجمن بین‌المللی مطالعات کیفیت زندگی¹ در سال 1999 شده است. هدف آن بررسی نتایج فردگرایی، به‌طور خاص تأثیر فردگرایی بر کیفیت زندگی افراد جامعه صورت است. نتایج بیانگر عدم رابطه بین فردگرایی و کاهش کیفیت زندگی است. محقق براساس داده‌های به‌دست آمده نتیجه می‌گیرد که اعضای جوامع فردگرا، اعضای شاد و پویا هستند و کیفیت زندگی بالایی نیز دارند و بین فردگرایی و شاد زیستن رابطه آماری مثبتی وجود دارد و هرچه جامعه فردگرایی بیشتری داشته باشد، اعضای جامعه لذت بیشتری از زندگی می‌برند. به اعتقاد محقق فواید فردگرایی بر مضرات آن برتری دارد. از دیگر یافته‌های تحقیق می‌توان به این اشاره کرد که بین سطح

تحصیلات و درآمد کشورها رابطه تصادفی مشاهده می‌شود، ولی همبستگی مثبت آماری آشکاری میان دانایی¹ و موفقیت کشورها دیده می‌شود (وینهون، 1999).

با توجه به آنچه در مورد مفهوم کیفیت زندگی و توسعه در قالب‌های اجتماعی، انسانی و فرهنگی مطرح گردید، می‌توان بیان کرد که شاخص‌های اجتماعی و به‌ویژه شاخص‌های فرهنگی مبنایی برای ارتقای سریع‌تر رفاه در میان شهروندان می‌گردند. گروه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی، کیفیت زندگی را به معنای برداشت شخصی یک فرد از موقعیت زندگی‌اش در رابطه با فرهنگ و نظام ارزش اجتماعش و نیز در رابطه با اهداف، انتظارات، استانداردها و احتیاجاتش تعریف کرده است. در تعریفی دیگر، کیفیت زندگی به‌عنوان احساس فرد از سلامت، رضایت یا عدم رضایت از زندگی، سرور و شادمانی یا ناخشنودی و نظایر آن در نظر گرفته شده است (شیخی، 1385: 191) و (بوگنار، 2005: 563). با توجه به اینکه در تعریف کیفیت زندگی به امر اجتماعی و فرهنگی اشاره می‌شود می‌توان گفت که زیربنای توسعه انسانی پایدار، توسعه اجتماعی و فرهنگی است که خود مبنایی برای ارتقای کیفیت زندگی است. به عبارت دیگر می‌توان از شاخص‌های اجتماعی و شاخص‌های فرهنگی توسعه به‌عنوان مبنایی برای سنجش کیفیت زندگی و ابزاری برای ارتقای آن بهره گرفت.

روش‌شناسی

روش پژوهش از نوع پیمایشی است و برای تدوین مباحث نظری و تجربی پژوهش از روش کتابخانه‌ای نیز استفاده شده است. ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه است که در ابتدا به‌صورت مقدماتی توزیع شده و بعد از به‌دست آوردن اعتبار و روایی مورد نظر در جامعه آماری توزیع گردیده است. جامعه آماری آن کلیه مردم (15-64) سال شهر کاشان است که با توجه به فرمول کوکران، نمونه آماری با (353) نفر از شهروندان در نظر گرفته شده است. نوع نمونه‌گیری از نوع خوشه‌ای بوده است و طبق نقشه شهری، شهر کاشان به (11) ناحیه، هر ناحیه به چند محله و هر محله به چند خیابان یا

1. Knowledgeable

کوچه تقسیم شده است و در نهایت در کوچه‌های انتخابی پرسش‌نامه نهایی توزیع گردیده است.

اعتبار¹ تحقیق، از نوع محتوایی (صوری) است، بدین منظور مقیاس‌های ساخته شده پژوهش در اختیار چند متخصص قرار داده شده است و براساس نظر آن‌ها اصلاحی صورت گرفته است. همچنین پایایی² آن براساس ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده که برای بعد کیفیت اجتماعی زندگی (0/78)، برای بعد کیفیت فرهنگی زندگی (0/71) به دست آمده است.

یافته‌های تحقیق

1. یافته‌های توصیفی

از بین پاسخگویان مورد مطالعه (50/6) درصد زن و (49/4) درصد مرد هستند. (17) درصد آن‌ها دارای تحصیلات سیکل و کمتر، (36/1) درصد دیپلم، (43) درصد فوق دیپلم و لیسانس و (3/9) درصد دارای مدرک فوق لیسانس و بالاتر هستند. همچنین بر مبنای وضعیت تأهل، (49/1) درصد مجرد و (50/9) درصد متأهل و میانگین سنی آن‌ها (28/37) سال بوده است.

1-1. توصیف کیفیت اجتماعی زندگی

شاخص‌های کیفیت اجتماعی زندگی عبارت‌اند از: رضایت کلی از زندگی (مثل دارا بودن زندگی سرشار از شادابی و نشاط، دستیابی به اهداف در زندگی، رضایت از دوستان، استراحت کافی، تغذیه مناسب، افتخار به خود، ارتباط خوب با دیگران از جمله اعضای خانواده، خویشاوندان، همسایگان، دوستان و...)، وجود زمینه‌های مساعد در پرداختن به فعالیت‌های اجتماعی (نظیر کانون‌های محلی، انتخابات، راهپیمایی و...)، وجود احساس مشترک در مقولاتی چون اعتماد به دیگران، افتخار به محله، شهر و میهن، کمک کردن به دیگران و اطمینان از حمایت دیگران در هنگام مشکلات، دارا بودن وضعیت اقلیمی مناسب از جمله هوای پاک، دارا بودن امکانات بهداشتی مناسب (پزشکان، اورژانس، دارو، آب سالم

1. Validity
2. Reliability

و...، دسترسی به وسایل نقلیه مناسب و سیستم حمل و نقل، وجود نظافت عمومی شهر و پاکیزگی آن (جمع‌آوری زباله‌ها، جارو کردن خیابان‌ها و کوچه‌ها و...)، زیبایی شهر (رنگ‌آمیزی مناسب و...)، دسترسی به بازارچه‌های متعدد، دسترسی به اینترنت پرسرعت، سالن‌های ورزشی، استخر، فضای سبز و... بر این مبنای وضعیت پاسخگویی به کل شاخص‌های فوق در بین شهروندان به شرح جدول زیر است:

جدول شماره 3. توصیف کیفیت اجتماعی زندگی

چولگی	کشیدگی	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	کیفیت اجتماعی زندگی
1/18	-0/49	4	2	0/26	2/79	

با توجه به جدول بالا، میانگین کیفیت اجتماعی زندگی شهروندان در شهر کاشان (2/79 از 4) بوده و منفی بودن کشیدگی نشان‌دهنده آن است که توزیع داده‌ها از توزیع نرمال کوتاه‌تر است و مثبت بودن چولگی، نشان‌دهنده آن است که نمرات افراد اطراف مقادیر پایین کیفیت اجتماعی زندگی متمرکز است.

2-1. توصیف کیفیت فرهنگی زندگی

شاخص‌های کیفیت فرهنگی زندگی عبارت‌اند از: وجود برخی نگرش‌ها و رفتارهای فرهنگی از جمله رعایت حقوق دیگران در سطح شهر، وجود فرهنگ گفتگو در خانواده‌ها، وجود و ترویج صله ارحام، وجود زمینه‌های مساعد به‌منظور شرکت در مراسم مذهبی (عزاداری، ادعیه، نماز و...)، وجود احساس تعاون و همیاری در بین مردم، احساس تعلق به فرهنگ ایرانی، وجود زمینه‌های مناسب به‌منظور حضور در کانون‌های فرهنگی، دارا بودن امکانات فرهنگی و... بر این مبنای وضعیت پاسخگویی به کل شاخص‌های فوق در بین شهروندان به شرح جدول زیر است:

جدول شماره 4. توصیف کیفیت فرهنگی زندگی

چولگی	کشیدگی	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	کیفیت فرهنگی زندگی
0/89	-0/44	4	1	0/33	2/81	

با توجه به جدول فوق، میانگین کیفیت فرهنگی زندگی شهروندان در شهر کاشان (2/81 از 4) است و منفی بودن کشیدگی نشان دهنده آن است که توزیع داده‌ها از توزیع نرمال کوتاه‌تر است و مثبت بودن چولگی داده‌ها، نشان دهنده آن است که نمرات افراد اطراف مقادیر پایین کیفیت فرهنگی زندگی متمرکز می‌باشند.

2. تحلیل یافته‌ها

2-1. کیفیت اجتماعی زندگی بر حسب جنس

جدول شماره 5. تفاوت کیفیت اجتماعی زندگی بر حسب جنس

متغیر	ابعاد	میانگین	انحراف معیار	آزمون (t)		
				سطح معناداری	تعداد	مقدار
جنس	زن	2/80	0/25	0/75	334	0/31
	مرد	2/79	0/28			

نتایج آزمون t نشان می‌دهد که میانگین دو گروه زن (2/80 از 4) و مرد (2/79 از 4) تفاوتی با یکدیگر نداشته و بین دو جنس در زمینه کیفیت اجتماعی زندگی، تفاوت معناداری وجود ندارد.

2-2. کیفیت فرهنگی زندگی بر حسب جنس

جدول شماره 6. تفاوت کیفیت فرهنگی زندگی بر حسب جنس

متغیر	ابعاد	میانگین	انحراف معیار	آزمون (t)		
				سطح معناداری	تعداد	مقدار
جنس	زن	2/77	0/29	0/02	334	-2/2
	مرد	2/85	0/36			

جدول فوق نشان می‌دهد که مردان در مقایسه با زنان دارای کیفیت فرهنگی بهتری هستند (2/85 در مقابل 2/77).

2-3. کیفیت اجتماعی و فرهنگی زندگی بر حسب وضعیت تأهل

جدول شماره 7. کیفیت اجتماعی و فرهنگی زندگی بر حسب وضعیت تأهل

مفهوم	متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	آزمون t		
					سطح معناداری	تعداد	t
کیفیت اجتماعی	وضعیت	مجرد	2/74	0/27	0/000	334	-3/3
	تأهل	متأهل	2/84	0/25			
کیفیت فرهنگی	وضعیت	مجرد	2/78	0/33	0/13	334	-1/5
	تأهل	متأهل	2/83	.32			

در ارتباط با کیفیت اجتماعی زندگی با توجه به سطح معناداری (0/00) می‌توان گفت میانگین‌های دو گروه مجرد (2/74 از 4) و متأهل (2/84 از 4) تفاوت معناداری با یکدیگر دارند و افراد متأهل در مقایسه با افراد مجرد دارای کیفیت اجتماعی بهتری هستند (2/84 در مقابل 2/74).

در ارتباط با کیفیت فرهنگی زندگی سطح معناداری (1/13) گویای آن است که میانگین دو گروه مجرد (2/78 از 4) و متأهل (2/83 از 4) تفاوت معناداری با یکدیگر نداشته و این دو گروه در میانگین بعد کیفیت فرهنگی زندگی با یکدیگر مشابه هستند.

2-4. کیفیت اجتماعی زندگی بر حسب تحصیلات

جدول شماره 8. مقایسه میانگین درون گروهی و برون گروهی کیفیت اجتماعی زندگی بر حسب تحصیلات

متغیر	ابعاد	میانگین	میانگین بین گروهی	میانگین درون گروهی	f	سطح معناداری
تحصیلات	سیکل و کمتر	2/85	0/15	.07	2/14	.09
	دیپلم	2/76				
	فوق دیپلم و لیسانس	2/78				
	فوق لیسانس و بالاتر	2/91				

با توجه به جدول فوق و براساس آزمون تحلیل واریانس یک طرفه یا آنووا¹ (آزمون F) و سطح معناداری (0/09) می توان گفت که فرض مبتنی بر وجود تفاوت در بین میانگین گروهها رد می شود (یعنی اینکه اختلاف بین میانگین گروهها معنی دار نیست) و در مقابل فرض یکسانی آماری آنها تأیید می شود. بدین معنا که همه گروههای متغیر تحصیلات از نظر میانگین نمره با توجه به بعد کیفیت اجتماعی زندگی با یکدیگر مشابه هستند.

2-5. کیفیت فرهنگی زندگی بر حسب تحصیلات

جدول شماره 9 مقایسه میانگین درون گروهی و برون گروهی کیفیت فرهنگی زندگی بر حسب تحصیلات

متغیر	ابعاد	میانگین	میانگین بین گروهی	میانگین درون گروهی	f	سطح معناداری
تحصیلات	سیکل و کمتر	2/83	0/28	0/10	58/2	0/05
	دیپلم	2/79				
	فوق دیپلم و لیسانس	2/79				
	فوق لیسانس و بالاتر	3/05				

با توجه به جدول فوق و براساس آزمون تحلیل واریانس و سطح معناداری (0/05) می توان فرض مبتنی بر وجود تفاوت در بین میانگین گروهها را با احتیاط پذیرفت و آن به این معناست که کیفیت فرهنگی زندگی پاسخگویان با رتبه علمی فوق لیسانس و بالاتر از سایر گروهها بیشتر است.

2-6. کیفیت اجتماعی و فرهنگی زندگی و سن

جدول شماره 10. بررسی همبستگی بین سن و کیفیت اجتماعی و فرهنگی زندگی

	سن	
	ضریب پیرسون	سطح معناداری
کیفیت اجتماعی	0/20	0/00
کیفیت فرهنگی	0/11	0/04
تعداد		
		320
		336

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ماتریس همبستگی، یعنی ضریب همبستگی (0/20) و همچنین (0/11) بین بعد کیفیت اجتماعی زندگی و همچنین کیفیت فرهنگی

1. ANOVA

زندگی با سن رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنا که با افزایش سن، کیفیت اجتماعی و فرهنگی زندگی افزایش می‌یابد.

2-7. میانگین کیفیت اجتماعی و فرهنگی زندگی و میانگین مفروض

جدول شماره 11. بررسی فرضیه، مقایسه میانگین کیفیت اجتماعی زندگی با توجه به حد متوسط طیف

تفاوت فاصله با اطمینان 95%		میانگین مفروض (حد وسط) 2/5			انحراف معیار	میانگین	بعد
حد بالا	حد پایین	سطح معناداری	df	T			
0/32	0/26	0/000	335	19/90	0/26	2/79	کیفیت اجتماعی
0/34	0/27	0/000	335	16/96	0/33	2/81	کیفیت فرهنگی

جدول فوق نشان می‌دهد، میانگین بعد کیفیت اجتماعی زندگی (2/79 از 4) بوده که با اطمینان (95) درصد و سطح خطای کوچکتر از (0/05) تفاوت آماری معناداری بین دو میانگین واقعی و مفروض (حد وسط) وجود دارد (0/000 سطح معناداری) و مقدار میانگین واقعی (2/79) از مقدار میانگین مفروض (2/5) بالاتر است. بنابراین میانگین بعد کیفیت اجتماعی زندگی در شهر کاشان بیش از حد متوسط است.

همچنین میانگین بعد کیفیت فرهنگی زندگی (2/81 از 4) است که تفاوت آماری معناداری بین دو میانگین واقعی و مفروض (حد وسط) را نشان می‌دهد (0/000 سطح معناداری) و بر آن اساس مقدار میانگین واقعی (2/81) از مقدار میانگین مفروض (2/5) بالاتر است. بنابراین میانگین بعد کیفیت فرهنگی زندگی در شهر کاشان بیش از حد متوسط است.

نتیجه‌گیری

مطابق بررسی صورت گرفته، می‌توان گفت: کیفیت زندگی مبنایی برای ارزیابی توسعه فرهنگی و اجتماعی در یک جامعه است. در واقع از این شاخص‌ها می‌توان به‌عنوان مبنایی برای بررسی میزان توسعه یافتگی افراد جامعه بهره گرفت (هنری، 1374: 313). از دیدگاه

کارشناسان یونسکو «توسعه فرهنگی، در جهت اعتلای بخشیدن به تلاش‌های مربوط به آفرینش است که بر کیفیت انواع هنرها، تولیدات صنایع دستی، مشارکت‌های مردمی، نشر کتب، مطالعه مطبوعات، تولیدات داخلی، میراث فرهنگی و بسط مبادلات فرهنگی، ادراک متقابل فرهنگ‌ها، انتشار شاهکارهای نمونه، مبادله اطلاعات، آموزش عمومی و... تأکید دارد» (زیاری، 1379: 95). به دلیل اهمیت فرهنگ است که تیپور سیتووسکی¹ معتقد است: کالاها و خدمات فرهنگی در مفهوم گسترده آن، در زندگی اجتماعی انسان‌ها نقش مهمی دارند، زیرا احساس هویت آن‌ها را تقویت می‌کنند (دوپویی، 1374: 79).

همچنین توسعه اجتماعی نیز به معنای افزایش ظرفیت و تنوع سازمانی، تعامل دوجانبه گروه‌ها و منافع، مشروعیت ارزش‌های اجتماعی، رضایت کلی از زندگی، تغذیه مناسب، افتخار به خود، ارتباط خوب با دیگران، وجود زمینه‌های مساعد در پرداختن به فعالیت‌های اجتماعی، وجود احساس مشترک در مقولاتی چون اعتماد به دیگران، افتخار به محله، شهر و میهن، کمک کردن به دیگران و اطمینان از حمایت دیگران در هنگام مشکلات، امکانات بهداشتی مناسب، زیبایی شهر، سالن‌های ورزشی، استخر، فضای سبز و... قلمداد شده است.

در واقع اندیشه ارتقای کیفیت زندگی و آسایش مادی و معنوی به‌عنوان پیامد توسعه فرهنگی و اجتماعی جامعه، خود بحثی طولانی است که نباید با مطالعات سطحی آن را به امری عادی تقلیل داد و با توجه به پیچیدگی‌های مطالعات اجتماعی و انسانی و به‌منظور دستیابی به راه حلی مبنایی و کارا جهت رفع بحران‌های موجود بر سر راه انسان، لزوم مطالعات بین‌رشته‌ای مورد انتظار است (بلیکی²، 2007).

از سوی دیگر، شهر کاشان دارای پتانسیل‌های فرهنگی و اجتماعی بسیار غنی است؛ اماکن تاریخی ملی و مذهبی از یک سو و از سوی دیگر موقعیت استراتژیک ارتباطاتی از جمله مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی مهمی‌اند که با برنامه‌ریزی و سیاستگذاری مناسب و استفاده از نظریات اندیشمندان اجتماعی در این شهر می‌توان مسیر توسعه و پیشرفت و به تبع آن کیفیت زندگی افراد را هموارتر کرد.

1. Tibor Scitovsky
2. Blaikie

نتایج تحقیق در رابطه کیفیت اجتماعی و فرهنگی زندگی با سن افراد با نظر اینگلههارت در خصوص رابطه کیفیت زندگی با سن همسان است. وی در این راستا به یک توزیع U شکل اشاره می‌کند، بدین معنا که جوانان و افراد مسن در مقایسه با افراد میانسال، از نظر رفاه و کیفیت زندگی در سطح بالاتری قرار می‌گیرند (حریرچی و همکاران، 1388: 106). در واقع اگرچه افزایش سن که مشکلات و مسائل فیزیولوژیکی و عاطفی (جسمی و روانی) را به دنبال دارد سبب کاهش کیفیت زندگی می‌گردد، اما تحقیقات بیانگر این است که حمایت‌های خانوادگی و محیطی به افزایش کیفیت زندگی منجر می‌گردد (کنیوسن و همکاران¹، 2008). بر این اساس می‌توان بیان کرد که جاری بودن ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی نظیر احترام به بزرگتر در میان افراد جامعه آماری هم نشانگر تأیید این فرضیه است. نتایج پژوهش در مورد رابطه میان وضعیت تأهل و کیفیت زندگی، همسان با نتایج تحقیقات ربانی و کیان‌پور می‌باشد، بدین معنا که میان کیفیت اجتماعی زندگی و تأهل رابطه معنادار وجود دارد. در کنار نتایج دیگر پژوهش حاضر، اگرچه میانگین کیفیت زندگی افراد مورد مطالعه بالاتر از حد متوسط طیف است، اما کیفیت فرهنگی زنان در سطح پایین‌تری از کیفیت زندگی مردان است؛ زیرا چنین استنباط می‌شود که زنان در صحنه‌های فرهنگی فعالیت کم‌تری نسبت به مردان دارند. بنابراین به نظر می‌رسد مسئولان شهری باید در راستای تقویت مشارکت فعال زنان در عرصه اجتماعی و فرهنگی برنامه‌های منسجم‌تری را طراحی نمایند که از آن جمله به برگزاری مراسم‌های جشن و سرور مذهبی و ملی در مکان‌های متعدد، دعوت افراد به بازدید از مکان‌های تاریخی و مذهبی به مناسبت‌های مقتضی، دعوت شهروندان به رعایت هنجارهای فرهنگی و اجتماعی و فراهم کردن فضایی برای امر کتاب‌خوانی و مطالعه و ترویج آن در میان شهروندان، ترغیب افراد به انجام کنش‌های فرهنگی و اجتماعی نظیر صله ارحام، فعالیت در کانون‌های فرهنگی و اجتماعی محلی و منطقه‌ای و کمک و همیاری به هم‌نوعان، انجام رفتارهای اخلاقی مناسب، احترام به دیگران، انجام مشورت و ایجاد فرهنگ گفتگو میان افراد و رعایت امور بهداشتی و زیست محیطی و البته ایجاد فضاهای ضروری در جهت

تخصیص منابع و امکانات مناسب به شهروندان و رفع نیازهای مادی و معنوی آنها، می‌توان اشاره کرد.

منابع

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (1388). *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: انتشارات کیهان، ویرایش اول، چاپ هشتم.
- بابایی‌فرد، اسدالله (1389). *توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در ایران، رفاه اجتماعی*، دوره 10، شماره 37، 56-7.
- باینگانی، بهمن و کاظمی، علی (1389). *بررسی مبانی تئوریک مفهوم سرمایه فرهنگی، برگ فرهنگ: جدید (21)*، 21-8.
- باری، نورمن (1380). *رفاه اجتماعی*، ترجمه سیداکبر میرحسینی و سیدمرتضی نوریخس، تهران: نشر سمت.
- بیت، ریچارد و ویک، الین هارت (1384). *نظریه‌های توسعه*، ترجمه مصطفی ازکیا، رضا صفری شالی و اسماعیل رحمان‌پور، تهران: انتشارات لویه، چاپ اول.
- تری یاندیس، هری (1378). *فرهنگ و رفتار اجتماعی*، ترجمه نصرت فتی، تهران: انتشارات رسانش، چاپ اول.
- جاجرمی، کاظم و کتله، ابراهیم (1385). *سنجش وضعیت شاخص‌های کیفیت زندگی در شهر از نظر شهروندان مطالعه موردی: گنبد قابوس، مجله جغرافیا و توسعه*؛ شماره 7، 5-18.
- جباری، حبیب (1382). *توسعه اجتماعی و اقتصادی: دو روی یک سکه؟، رفاه اجتماعی*؛ شماره 10، 58-80.
- حبیب‌پور، کرم و غفاری، غلامرضا (1390). *توسعه فرهنگی زنان (مطالعه موردی استان قم)*، *مجله زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)*؛ دوره 3، شماره 3، 77 - 96.
- حریرچی، امیرمحمود، میرزایی، خلیل و جهرمی و مکائی، اعظم (1388). *چگونگی وضعیت کیفیت زندگی شهروندان شهر جدید پردیس 1388، پژوهش اجتماعی*؛ سال 2، شماره 4: 89-110

- دوپوئی، گزایوه (1374)، فرهنگ و توسعه، ترجمه فاطمه فراهانی و عبدالحمید زرین‌قلم، تهران: مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران، چاپ اول.
- رضوانی، محمدرضا و منصوریان، حسین (1387)، سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها، مدل‌ها، و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی، فصلنامه روستا و توسعه؛ سال 11، شماره 3، 1-26.
- ربانی خوراسگانی، علی و کیان‌پور مسعود (1386)، مدل پیشنهادی برای سنجش کیفیت زندگی: مطالعه موردی شهر اصفهان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال 15، شماره 58-59، 67-108.
- زیاری، کرامت‌الله (1379)، درجه توسعه‌یافتگی فرهنگی استان‌های ایران، نامه علوم اجتماعی؛ شماره 16، 91-104.
- سازمان یونسکو (1376)، فرهنگ و توسعه؛ رهیافت‌های مردم‌شناختی توسعه، ترجمه نعمت‌الله فاضلی و محمد فاضلی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- سلیم‌زاده، حمیده و همکاران (1386)، اشتغال مجدد بازنشستگان و شاخص‌های کیفیت زندگی، فصل‌نامه رفاه اجتماعی؛ سال 7، شماره 26، 287-297.
- سریع‌القلم، محمود (1382)، عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- شارع‌پور، محمود و خوش‌فر، محمد غلامرضا (1381) «رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان»، نامه علوم اجتماعی، شماره 20، 133-147.
- شیخی، محمدتقی (1385)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات حریر، چاپ اول.
- کتابی، محمود و گنجی، محمد، احمدی، یعقوب، معصومی، رضا (1383)، دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی - فرهنگی، مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره 17، 169-192.
- کیان‌پور، مسعود (1385)، مطالعه ارتباط بین کیفیت زندگی و احساسات اجتماعی در شهر اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- کوزر، لیویس (1386) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ سیزدهم.

- کوکبی، افشین (1386)، معیارهای ارزیابی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری، **نشریه هویت شهر**؛ سال اول، شماره 1، 75 - 86.
- گریفین، کیث و مک کنلی، تری (1374)، **توسعه انسانی؛ دیدگاهها و راهبردها**، ترجمه غلام رضا خواجهپور، تهران: انتشارات وداد، چاپ اول.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (1387)، **جامعه‌شناسی توسعه**، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ ششم.
- غفاری، غلامرضا و امید، رضا (1388)، **کیفیت زندگی شاخص توسعه اجتماعی**، تهران: انتشارات شیرازه، چاپ اول.
- غفاری، غلامرضا و نازمحمد، اونق (1385)، **سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی: مطالعه موردی شهر گنبد کاووس**، **مطالعات اجتماعی ایران**، شماره 1، 159 - 199.
- مارک هنری، پاول (1374)، **فقر، پیشرفت و توسعه**، ترجمه مسعود محمدی، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول.
- مختاری، مرضیه و نظری، جواد، (1389)، **جامعه‌شناسی کیفیت زندگی**، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول.
- نائینیان، محمدرضا و همکاران (1384)، **مطالعه برخی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه کیفیت زندگی (QLQ)**، **دوماه‌نامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد**؛ سال دوازدهم - دوره جدید، شماره 13، 47-59.
- نیازی، محسن و غفاری، غلامرضا (1386)، **جامعه‌شناسی مشارکت**، تهران: انتشارات نزدیک.
- هریسون، دیوید (1376)، **جامعه‌شناسی نوسازی و توسعه**، ترجمه علیرضا کلدی، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، چاپ اول.
- Berger- Schmitt, R (2002) Considering social cohesion in quality of life assessment: concept and measurement, **Social indicators research**, Vol. 58, pp 403-428.
- Blaikie, Norman (2007) **Approaches to Social Enquiry, Advancing knowledge**, First Published in the Polity press.
- Bognar, Greg (2005) The Concept of Quality of Life, **Social Theory and Practice**, Vol. 31, No 4. pp 561-580
- Dalkey, N. C. et al. (1972), **Studies in Quality of Life**, Washington DC. Lexington Books.
- Campell, A. (1976). Subjective measure of well-being. **American Psychologist**, 31, pp. 117-124.

- Johnston, Michael. (1993) **Social Development as an Anti-Corruption Strategy**, VI International Anti-Corruption Conference, November Cancun, Quintana, Roo, Mexico.
- Knussen C, Tolsen D, Borgan CA, et al. (2008) Family caregiver of older relatives: ways of coping and change in distress. **Psychol Health Med**, 13 (3): 274-290
- McCall, S. (1975) Quality of life ,**Social Indicators Research**, vol. 2, pp. 299-349
- Mazumdar, K.,(2004), Abs., **Quality of Life in Asia Pacific Countries: 1975-2000, Quality of Life in a Turbulent World**, Conference Abstracts, Philadelphia, Nov 2004.
- Moller, V. and Schlemmer, L. (1982), "Quality of life in South Africa: towards an instrument for the assessment of quality of life and basic needs". **Social Indicators Research**, No. 12.
- Nool, H. (2002) Towards a European system of social indicators: theoretical framework and system architecture, **social indicators research**, Vol. 58, pp 47-87.
- Nool, H. (2004) social indicators and indicators systems: tools for social monitoring and reporting, Presented in OECD World Forum: «**statistics, knowledge and policy**», Palermo, 10-13 November.
- Rahman, Tauhidur., Mittelhammer, Ron C, and Wandschneider, Philip (2005) Measuring the Quality of Life across Countries: A Sensitivity Analysis of Well-being Indices,((This paper is a revision of the paper presented at the UNU-WIDER conference on Inequality, Poverty and Human Well-being, 30-31 May 2003, Helsinki, Finland)) **Research Paper; UNU-WIDER, pp 1-34**
- Terhune, K.W. (1973) **Probing policy relevant questions on the quality of life In: 'The quality of life concept'** Environmental protection agency, Washington, USA
- Veenhoven, Ruut (2000) The Four QUALITIES OF LIFE “ordering concepts and measure of the good life. **Published in the journal of Happiness studies**. 200 Vol 1. pp 1-39.
- Veenhoven, Ruut (1999) quality - of - life in INDIVIDUALISTIC SOCIETY: A comprehensive of 43 nations in the early 1990, “ **Published in social indicators Research**. Vol 43. pp 157 – 186.
- Ulhaq, MaHBUB (1998) **Reflections on Human Development**, Oxford INDIAI PAPERBACKS.
- WHOQOL Group (1993), "Study protocol for the World Health Organization project to develop a quality of life assessment instrument". **Quality of Life Research**. No.2.

